

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه حکیم سبزواری

# دانشگاه حکیم سبزواری

دانشکده جغرافیا و علوم محیطی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

## دیالکتیک فضا در تریالکتیک شهر

استاد راهنما :

**دکتر جعفر جوان**

استاد مشاور:

**دکتر محمد سلمانی مقدم**

نگارش :

**سعید دلیل**



بسمه تعالی

## تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه

اعضاء هیئت داوران ، نسخه نهایی پایان نامه آقای سعید دلیل

تحت عنوان :

دیالکتیک فضا در تریالکتیک شهر

را از نظر فرم و محتوی بررسی و با نمره (درجه) پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند .

ردیف	اعضا هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
1	استاد راهنما	جعفر جوان	استاد	
2	استاد مشاور	محمد سلمانی مقدم	استادیار	
3	استاد داور	علیرضا حمیدیان	استادیار	
4	نماینده تحصیلات	جواد جمال آبادی		
5	تکمیلی			

نام و نام خانوادگی و امضای مدیرگروه



دانشگاه حکیم سبزواری

سوگند نامه دانش آموختگان دانشگاه تربیت معلم سبزوار

## به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک ، کوشش خویش و بهره گیری از دانش استادان و سرمایه های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه ای از دانش و خرد گردآورده ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می گیرم که از همه دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و ممنوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبادینت دارد دست نیازم. همچنین در سایه اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز ، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

سید علی

## تاییدیه ی صحت و اصالت نتایج

بسمه تعالی

اینجانب سعید دلیل به شماره دانشجویی 9023533076 رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد

تأیید می نمایم که کلیه نتایج این پایان نامه حاصل کار اینجانب و بدون هرگونه دخل و تصرف و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده ام در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان . قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ضوابط و مقررات آموزشی پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد . و حق هر گونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می نمایم . در ضمن مسئولیت هر گونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت .

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء:

## مجوز بهره برداری از پایان نامه

بهره برداری از این پایان نامه در چهار چوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود بلامانع است :

- بهره برداری از این پایان نامه برای همگان بلامانع است
- بهره برداری از این پایان نامه با اخذ مجوز از استاد راهنما بلامانع است
- بهره برداری از این پایان نامه تا تاریخ ..... ممنوع است .

استاد راهنما :

تاریخ :

امضاء:

## سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانم، از استاد محترم جناب آقای دکتر جوان، تشکر کنم، چه اینکه اگر راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان نمی‌بود، این متن حاضر نمی‌شد، همچنین از آقای دکتر سلمانی مقدم که زحمت مشاوره را برگردن گرفتند نیز سپاسگزارم. در پایان از تمامی اساتید گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، که مرا در آماده نمودن این پایان‌نامه و رسیدن آن به سرمنزل مقصود یاری نمودند، تشکر می‌کنم، امید که این پژوهشِ ناچیز، گامی در جهت اعتلای جغرافیای انسانی در کشور باشد.



انجمن وکلای شهر

## فرم چکیده‌ی پایان نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی مدیریت تحصیلات تکمیلی

ش دانشجویی: 9023533076	نام: سعید	نام خانوادگی دانشجو: دلیل
استاد مشاور: دکتر محمد سلمانی مقدم		استاد راهنما: دکتر جعفر جوان
گرایش: برنامه ریزی شهری	رشته: جغرافیا	دانشکده: جغرافیا و علوم محیطی
تعداد صفحات: 187	تاریخ دفاع: 1392/7/10	مقطع: کارشناسی ارشد

### عنوان پایان نامه: دیالکتیک فضا در تریالکتیک شهر

کلید واژه‌ها: تولید فضا، فضای اجتماعی، دیالکتیک فضا، تریالکتیک شهر

#### چکیده

پژوهش پیش رو پیرامون نظریات هنری لوفور، فیلسوف مارکسیست و جامعه‌شناس فرانسوی درباره تولید فضا و فضای شهری بحث می‌کند. عدم تعریف دقیق از فضا، و همچنین ضعف تحلیل‌های دقیق جغرافیایی و جامعه‌شناختی درباره فضای شهری در حیطه دانش جغرافیایی در ایران، سبب اهمیت مطالعه آثار لوفور درباره فضای اجتماعی می‌شود. دیالکتیک فضا در تریالکتیک شهر بخش اصلی از نظریات لوفور درباره فضای اجتماعی و فضای شهری است. روش لوفور برای نظریه‌پردازی درباره فضا برگرفته از منطق دیالکتیکی هگلی - مارکسی است. وی برای تحلیل تطورات شهر در طول تاریخ از روش ماتریالیسم دیالکتیک بهره می‌برد همچنین تحلیل ساختاری و نشانه‌شناسی زبانی را همراه با ماتریالیسم دیالکتیک برای بررسی تطورات شهر در طول تاریخ به کار می‌بندد. لوفور با کاربست نظریه تولید فضای خود در شهر به تحلیل فرم، کارکرد و ساختار در شهر می‌پردازد. لوفور با ارائه نظریات خود درباره فضای اجتماعی، اثبات می‌کند که فضای اجتماعی یک محصول یا کالای اجتماعی است، و همچنین فضای اجتماعی یک موضوع سیاسی است، وی همچنین درباره شهر یک نظام شناخت‌شناسانه ارائه می‌دهد که بر تریالکتیک فضا، تحلیل ساختاری و نمادشناختی، و همچنین نقد نظام برنامه‌ریزی شهری استوار است.

امضاء استاد راهنما



## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>فصل اول: کلیات</b>	۴
1-1 لوفور و دیالکتیک	5
1-1-1 طرح مسئله و روش‌شناسی	۵
2-1-1 نظریه تولید فضا	۱۳
3-1-1 شهر از نظرگاه لوفوری	۱۵
4-1-1 اهمیت نظریات لوفور	۱۷
<b>فصل دوم: دیالکتیک</b>	۲۰
1-2 مقدمه	21
2-2 دیالکتیک، نزد لوفور	50
<b>فصل سوم: دیالکتیک فضا</b>	۶۹
1-3 مقدمه	70
2-3 مفاهیم اصلی از فضا	71
3-3 مفاهیم انضمامی فضا در جغرافیای انسانی	75
4-3 سه گانه‌ی فضای لوفور یا تریالکتیک فضا	81
5-3 اندیشه تریالکتیکی از فضا	95
6-3 ارتباط بین فضاهای لوفوری با مفهومی‌های انضمامی فضا در جغرافیا	101
7-3 سیاسی بودن فضا در نظام سرمایه‌داری	108
8-3 کارکردهای متنوع فضای سرمایه‌داری	116
9-3 نتیجه‌گیری	124
<b>فصل چهارم: فضای شهر</b>	۱۲۷

128	1-4 مقدمه
129	2-4 کلیات
140	3-4 ماتریالیسم تاریخی شهر
147	4-4 سطوح تحلیل امر شهری
۱۶۳	<b>فصل پنجم: تریالکتیک فضا در شهر</b>
164	1-5 مقدمه
165	2-5 تریالکتیک فضا در شهر
172	3-5 نتیجه گیری
۱۷۲	1-3-5 برنامه ریزی شهری به عنوان ایدئولوژی
۱۸۰	2-3-5 شناخت شناسی شهری
۱۸۱	منابع

## فهرست اشکال

شکل ۳-۱: چشم قدرت ..... ۹۵

## فهرست جداول

جدول 3-1: ارتباط بین فضاهای لوفوری با مفهوم های انضمامی فضا در جغرافیا ..... 106

## مقدمه

آنچه هدف این پژوهش قرار گرفته است، نظریه لوفور پیرامون تولید فضا و تریالکتیک (دیالکتیک سه‌گانه) شهر است. لوفور چهره‌ای شناخته شده در فلسفه، جامعه‌شناسی و شهرشناسی است. مارکسیست بودن لوفور سبب می‌شود، که اندیشه رادیکال مارکسیستی و در عین حال اومانستی وی در سراسر آثارش مشهود باشد. عمده معروفیت لوفور به خصوص در کشورهای انگلیسی زبان، به علت مطالعات جامعه‌شناسانه وی پیرامون زندگی شهری و روستایی و نظریه وی درباره فضای اجتماعی است. لوفور یکی از منتقدان اولیه ساختارگرایی است و برخی او را اولین پسا ساختارگرا می‌دانند.

هدف پژوهش پیش‌رو، ارائه خلاصه‌ای از کلیت نظریه تولید فضای لوفور و همچنین نظریات وی درباره شهر و امر شهری است. برای سهولت این امر حتی از نظرات بسیاری از مفسران بزرگ لوفور نظیر، هاروی<sup>1</sup>، سوجا<sup>2</sup>، مریفیلد<sup>3</sup>، اشمیت<sup>4</sup>، الدن<sup>5</sup>، گرگوری<sup>6</sup> و شیلدز<sup>7</sup> استفاده شده است. بسیاری از متفکران بزرگ در عرصه جغرافیای انسانی نظیر دیوید هاروی، ادوارد سوجا، اندی مریفیلد، نائل کاستری و بسیاری دیگر از جغرافیدانان چپ، که کتب آنها، یا مقالاتی از آنها در ایران ترجمه شده است، سبقه نظری پژوهش‌های خود را مدیون لوفور هستند. به این ترتیب آشنایی با نظریات لوفور به خصوص نظریه تولید فضا، برای فهم نظریه‌های جغرافیدانان نام‌برده بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش از منابع کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است و آنچه که در صفحات بعد پیرامون روش شناسی درباره اندیشه لوفور درباره فضا می‌آید اشاره به روش شناسی خود لوفور درباره تولید فضا می‌باشد.

---

1 - (Harvey, The Dialectics of Spacetime 2008)

2 - (Soja , The Spatiality of social life: Towards a Transformative Retheorisaion 1985) & (Soja, Socio-Spatial Dialectic 1980)

3 - (Merrifield 2006)

4 - (Schmid 2008)

5 - (Elden, Understanding Henri Lefebvre Theory and the Possible 2004)

6 - (Gregory, Geographical imaginations 1994)

7 - (Shields, Lefebvre, Love And Struggle 1999)

لوفور به دنبال ارتباطی بین فضا، روابط اجتماعی، و سیاست‌های مرتبط با فضا بود. وی در واقع روابط اجتماعی تولید را تنها درون فضا واجد معنا می‌داند. به عبارتی می‌توان لوفور را اندیشمندی دانست که نظریات وی بین جامعه‌شناسی و جغرافیای انسانی ارتباط بسیار محکمی برقرار می‌کنند. از نظر لوفور فضا یک محصول است که درون روابط اجتماعی تولید، به عنوان یک کالا تولید می‌شود با این تفاوت که این کالا، خود در بازتولید آن روابط نیز نقش ایفا می‌کند.

دیالکتیک فضا و تریالکتیک شهر به عنوان دو بخش اساسی مباحث این پایان نامه، شالوده نظری، نظریه لوفور درباره فضا هستند. دیالکتیک فضا واقع رویکردی تکمیلی به اندیشه مارکسیستی درباره جوامع سرمایه‌داری است، که البته عمق آن در مباحثی نظیر سیاست‌های فضا، ایدئولوژی برنامه‌ریزی، روابط تولید سرمایه‌داری و جهانی شدن مشخص می‌شود.

تریالکتیک شهر، شکل انضمامی‌تر دیالکتیک فضا است. لوفور با فضای شهری، به شیوه ماتریالیسم تاریخی و کنش‌های دیالکتیکی که در هر دوره تاریخی، شهر با آن روبه‌رو می‌شود، برخورد می‌کند. شهر در هر دوره تاریخی دچار اندرکنش‌هایی می‌شود، این اندرکنش‌های واجد برون‌دادی می‌شوند، که منتج به مرحله جدید تاریخی می‌شود. مجموعه اندرکنش‌هایی که در شهر در طول تاریخ رخ می‌دهد، عمدتاً ناشی از مناسبات مادی حاکم بر شهر در آن دوره تاریخی است.

شناخت دیالکتیک به عنوان منطق برسازنده‌ی نظریه لوفور درباره فضا، موضوعی بسیار ضروری است. فضای اجتماعی لوفوری، در واقع واجد دقایقی<sup>1</sup> است، که این دقایق هر یک با هم ارتباطاتی برقرار می‌کنند، این ارتباطات بین دقایق درون فضا، رابطه‌ای دیالکتیکی است، رابطه‌ای درونی که سبب می‌شود هر دقیقه با دقیقه دیگر ارتباط متقابل برقرار کند.

به این ترتیب ما در نظریه لوفور درباره فضا با چند عنصر اساسی روبه‌رو هستیم:

1. فضا، اساساً کالایی اجتماعی است.
2. دیالکتیک، منطق زیرین نظریه لوفور درباره فضای اجتماعی است.
3. فضای اجتماعی واجد سه دقیقه درون خود است.

---

1 - moments

4. دقایق فضای اجتماعی، درون شهر متبلور می‌شوند، و تریالکتیک شهر نام‌میگیرند.
5. لوفور برای شهر سطوحی را برای تحلیل تعریف میکند، که این سطوح همگی با یکدیگر رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار می‌کنند.
6. برخورد لوفور با شهر از طریق روش ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیکی است.

# فصل اول: کلیات



## 1-1 لوفور و دیالکتیک

### 1-1-1 طرح مسئله و روش‌شناسی

کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه همواره با مشکلات عدیده فضایی و شهری، چه در سطح کلان و بین شهری (درون شبکه شهری)، و چه در سطح خرد (درون شهری) روبه‌رو هستند، رواج الگوی نخست شهری، رشد شهرهای انگلی، نامتوازن بودن نظام رشد شهری، همگی از جمله مشکلات شهری و منطقه‌ای در شهرهای این کشورها هستند، البته باید خاطر نشان نمود، که با بروز بحران‌های عمیق اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری، آن کشورها نیز دچار مشکلات خاص شهری خود (در سطح خرد و کلان) شده‌اند.

علل عمده‌ای که سبب بروز مشکلات در شهرهای کشورهای جهان سوم، و همچنین عدم موفقیت طرح‌های شهری را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

1. عدم تعریف دقیق از فضای جغرافیایی، و عدم وجود مفهوم‌پردازی مناسب برای فضای اجتماعی.
2. گسست شناخت‌شناسانه بین جغرافیای انسانی و جامعه‌شناسی.
3. ناآشنایی با مبانی تئوریک اندیشمندان غربی درباره فضای اجتماعی.
4. عمل‌گرایی صرف از سایر علل ناموفق بودن طرح‌های شهری است که باعث صرف نظر کردن از پرداختن به مباحث تئوریک عمیق می‌شود با این بهانه که معمولاً این مسائل یا در کار اجرایی ایجاد تداخل می‌کنند، یا با موقعیت بومی ما سازگار نیستند غافل از این‌که این طرح‌ها از بستری وارد ایران شده‌اند که دارای نظریه‌پردازی و موقعیت جامعه‌شناختی و جغرافیایی خاص خود بوده است، لذا شناخت بستر نظری آنگونه طرح‌ها بسیار لازم می‌آید.
5. نظام برنامه‌ریزی رانتی: نظام برنامه‌ریزی در عمده کشورهای جهان سوم و به خصوص ایران، در سطح برنامه‌ریزی شهری، اساساً بیش از آن‌که به رفع و رجوع مسائل

شهری پردازد، به بورس بازی زمین و رانت خواری زمین تبدیل شده است، و برنامه‌ریزان به جای نقش اصلی خود یعنی یک متفکر خدمتگزار در جهت نفع عامه مردم به خصوص قشر فرودست جامعه تبدیل به دلالانی بوروکراتیک شده‌اند.

6. مشخص نبودن نقش برنامه‌ریز طی طرح‌ها، سبب می‌شود که برنامه‌ریز گاه نقش خود را با معمار و شهرساز، مدل ساز مسائل معماری و حتی اقتصاددان اشتباه بگیرد، و بعضاً به دنبال یادگیری تخصص آن‌ها شود که خود این مسئله سبب معضل عمیقی را به علت نداشتن آموزش‌های پایه به خصوص در زمینه معماری و طراحی شده است.

7. نکته‌نهایی اینکه فرم شهری در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به خصوص در شهرهای بزرگ و اصلی شبکه شهری به سمت مدرن شدن و شبیه‌تر شدن به فرم‌های غربی می‌رود. از سوی دیگر ذکر این نکته ضروری است، که خصوصی‌سازی در شهرها به ویژه در امر ساخت و ساز، سپردن پروژه‌های کلان به بخش‌های خصوصی و شبه خصوصی، به راه انداختن سرمایه مالی (فاینانس) و فروش اوراق قرضه در شهرها برای ساخت و ساز پروژه‌های عظیم، آماده کردن بستر در بافت فرسوده از طریق تخریب بافت و ایجاد زیر ساخت‌های شهری برای ترغیب بخش خصوصی برای ورود به حوزه زمین شهری برای ساخت و ساز همگی نشان از مدرن شدن وضعیت شهری هم در فرم و کارکرد و ساختار و هم اقتصاد شهری فی نفسه شده است که در واقع شکل‌هایی از اقتصاد نئولیبرال شهری است، در چنین شرایطی بازگشت به تئوری‌های غربی بسیار الزامی می‌شوند و با توجه به گرایش ارگانیک و خودجوش شهرها به سمت فرم‌های غربی، سخن از بومی‌سازی طرح در کشورهای در حال توسعه، کلامی دور از واقعیت کنونی خواهد بود و باید به سمت شناخت تئوری‌هایی رفت، که سرمنشا تغییرات کنونی در کشور است، تا بتوان تبیین صحیحی از شهر را ارائه نمود.

شناخت نظریه تولید فضای لوفور گامی بلند در جهت ایجاد یک شناخت‌شناسی عظیم در حوزه جغرافیای انسانی است که در نهایت می‌تواند به اهداف زیر نائل شود:

1. تعریف صحیح از فضا.
2. ارائه یک نظام شناخت‌شناسانه از امر شهری و فضای شهری
3. ارائه یک رویکرد نقّادانه به برنامه‌ریزی شهری

دیالکتیک فضا در تریالکتیک شهر، عنوانی است که اولاً از دیالکتیک آغاز می‌شود، اما با این تفاوت که مفهوم پردازی ارائه شده از سوی لوفور درباره دیالکتیک بسیار با مفاهیم ارائه شده از سوی هم‌عصران وی متفاوت بود. وی یک دیالکتیک سه‌گانه را ارائه داد. این دیالکتیک سه‌گانه را لوفور نه تنها برای فضا که در ابتدا برای زبان ارائه داد، که بعداً در نظریه تولید فضای وی، به کمال می‌رسد (Schmid 2008).

یکی از عللی که لوفور دیالکتیک سه‌گانه خود را ارائه کرد، مقابله با برداشت ساده‌گرایانه رایج در اندیشه مارکسیستی شوروی در زمانه خودش بود. روش پیش‌رونده-پس‌رونده وی که در فصول بعدی درباره آن بحث خواهد شد، تلاشی بود برای کاربرد کردن ماتریالیسم تاریخی (و دیالکتیکی) برای اهداف پژوهشی<sup>1</sup>.

لنین بیان میکند که ماتریالیسم دیالکتیکی بر ویژگی تخمینی و نسبی هر نظریه علمی پیرامون ساختار ماده و عوارض آن تاکید می‌کند، این نظریه بر مرزهای غایب و مطلق در طبیعت، دگرسانی‌های ماده از یک شکل به شکل دیگر تمرکز می‌کند<sup>2</sup>. به این ترتیب با یک عبارت دو بخشی روبه‌رو هستیم که چهارچوب مفهومی این دو عبارت یعنی ماتریالیسم و دیالکتیک را توضیح خواهیم داد.

ماتریالیسم، نوعی اندیشه هستی‌شناسانه است که در واقع بر مبنای آن، کلیت قواعدی علی، و تغییر و تغیرات موجود در طبیعت را باید درون وضعیت مادی جستجو کرد، و در واقع این اندیشه واکنشی است در برابر اندیشه ایده‌الیستی، الهیاتی، و همچنین هر نوع اندیشه دیگری که غایت علی

1 - (Shields, Lefebvre, Henri (1901-91) 1998, 4630)

2 - (Lenin, Materialism and Empirio Criticism Critical Comments on a Reactionary Philosophy. Lenin Collected Works 1972)

تغییرات در عالم واقع را خارج از محسوسات می‌جوید<sup>3</sup>. داروین، مارکس و گالیله از جمله دانشمندانی بودند که دید ماتریالیستی به عالم داشتند و غایت تغییرات را در عالم واقع می‌جستند. مارکس در اندیشه ماتریالیستی خود معتقد بود که تغییرات و تطورات در جامعه، وابسته به زمان است، به همین دلیل، مفهوم ماتریالیسم با تاریخ همراه شد، و ماتریالیسم تاریخی نام گرفت. اندیشه ماتریالیسم تاریخی در دهه‌های 70 و 80 میلادی وارد جغرافیا شد، که به عنوان یک رویکرد تبیینی نام ماتریالیسم تاریخی-جغرافیایی به خود گرفت، در این رویکرد شرایط مادی وجود، یعنی جهان بی واسطه فیزیکی، بر حیطه‌های مادی و متافیزیکی علیت، برتری دارد (Kirsch 2009). در نظر هاروی نیز ماتریالیسم مهم جلوه می‌کند، علت اهمیت ماتریالیسم از نظر هاروی در این است که اطلاعات توزیع و سازمان فضایی، شرایط طبیعی و انسانی را ضبط، سازماندهی و ذخیره می‌کند، شرایطی که پایه مادی برای بازتولید شرایط اجتماعی فراهم می‌کند. همزمان ماتریالیسم آگاهی هشیارانه را بر چگونگی تغییر مداوم این شرایط توسط کنش انسانی، افزایش می‌دهد<sup>4</sup>. روش شناسی لوفور که تقریباً از شیوه ماتریالیسم تاریخی پیروی می‌کند تحلیلی است از تطورات فضا در طول تاریخ و به ویژه شیوه تولید سرمایه داری، که تمرکز لوفور بر روی این نظام است، و نحوه استثمار فضا را توسط سرمایه‌داری به دقت بررسی می‌کند. کار لوفور تحلیلی است در سنت ماتریالیسم تاریخی که فضاهای دوره‌ای خاص به آن مربوط است (سرمایه‌داری). لوفور به دنبال بسط تعاریف خود درباره سیاست های فضا بود و به طور کلی معتقد بود که فضا سیاسی است. لوفور برای تکمیل تفکر خود پیرامون مارکس مدیون شماری از متفکران نظیر، هگل، نیچه، و به نحوی انتقادی تر، مارتین هایدگر بود. لوفور معتقد بود که هر کدام از این متفکران در اضافه کردن مفاهیمی به تحلیل‌های مارکس سودمند هستند و به این ترتیب در صدد ایجاد یک شناخت‌شناسی مناسب برای شهر بود (Gregory, Johnston, et al. 2009).

---

3- برای اطلاعات بیشتر درباره ماتریالیسم و بنیادهای آن نک. (نواک 1385)

4 - (Harvey, Spaces of Capital: Towards a Critical Geography 2001, 108-121)